

فوتبال؛ اسیر سایه‌ها یا قربانی سکوت‌ها؟

ره‌نگاران/“فوتبال؛ اسیر سایه‌ها یا قربانی سکوت‌ها؟” عنوان یادداشت فرهاد خراسانی کارشناس فوتبال است که در ادامه می‌خوانید:

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ فوتبال، محبوب‌ترین پدیده اجتماعی عصر ما، بیش از آنکه به زمین سبز و نود دقیقه مسابقه وابسته باشد، به سلامت ساختارها، شفافیت تصمیم‌ها و صداقت مدیران خود نیازمند است. هرگاه این مؤلفه‌ها تضعیف شوند، نتیجه آن نه شکست یک تیم، بلکه فرسایش اعتماد عمومی خواهد بود.

سال‌هاست که در گوشه و کنار فوتبال، چهره‌هایی دیده می‌شوند که اگرچه مسئولیت رسمی و پاسخگویی آشکاری ندارند، اما همواره در حاشیه تصمیمات مهم حضور دارند؛ افرادی که نامشان بیش از آنکه در فهرست مدیران ثبت شده باشد، در زمزمه‌های پشت درهای بسته شنیده می‌شود. آنان می‌آیند، می‌روند، حذف می‌شوند و دوباره با عنوانی تازه، در قالبی جدید و از مسیری دیگر باز می‌گردند. گویی برخی ساختارها نه بر پایه قانون و شایستگی، بلکه بر مدار روابط غیررسمی و حلقه‌های بسته شکل گرفته‌اند.

مشکل اصلی فوتبال ما، تنها حضور این افراد نیست؛ بلکه فقدان سازوکارهایی است که بتواند مرز میان نقش‌های رسمی و غیررسمی را به روشنی مشخص کند. هنگامی که تصمیم‌گیری‌ها شفاف نباشد، زمینه برای شکل‌گیری شایعات، بی‌اعتمادی و گمانه‌زنی‌های بی‌پایان فراهم می‌شود. در چنین فضایی، هر اتفاق نامطلوبی به سرعت به «دست‌های پشت پرده» نسبت داده می‌شود و این خود نشانه‌ای از ضعف حکمرانی ورزشی است.

فوتبال حرفه‌ای امروز جهان بر سه اصل استوار است: شفافیت، پاسخگویی و شایسته‌سالاری. هر اندازه از این اصول فاصله بگیریم، به همان میزان به سمت حاشیه، بی‌ثباتی و ناکارآمدی حرکت خواهیم کرد. باشگاه‌ها نباید میدان آزمون و خطای افراد فاقد مسئولیت مشخص باشند و مدیران نیز نباید اجازه دهند نفوذهای غیررسمی جایگزین فرآیندهای قانونی و حرفه‌ای شوند.

آنچه امروز فوتبال بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد، نه قهرمان‌سازی‌های مصنوعی و نه دشمن‌تراشی‌های بی‌حاصل است؛ بلکه بازگشت

به عقلانیت مدیریتی، احترام به تخصص و پایبندی به قواعد حرفه‌ای است. هواداران حق دارند بدانند چه کسانی تصمیم می‌گیرند، بر چه اساسی تصمیم می‌گیرند و مسئولیت نتایج آن تصمیمات بر عهده چه کسانی است.

تاریخ فوتبال نشان داده است که هیچ جریان غیرشفاف و هیچ نفوذ غیرپاسخگویی، برای همیشه پایدار نمی‌ماند. آنچه باقی می‌ماند، کارنامه افراد و داوری افکار عمومی است؛ داوری‌ای که دیر یا زود، میان خدمت و سوءمدیریت، میان صداقت و منفعت‌طلبی، و میان مسئولیت‌پذیری و فرصت‌طلبی تمایز قائل خواهد شد.

در پایان، لازم می‌دانم با تأسف اشاره کنم که یکی از پیشکشوتان و یکی از همراهان این جریان‌ها که از همکاران حرفه‌ای اینجانب نیز محسوب می‌شود، مسیری را برگزیده اند که از منظر اخلاق حرفه‌ای، انتخابی نادرست و قابل تأمل به شمار می‌رود. تجربه نشان داده است که هر کنش و هر انتخابی، پیامدهای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر خود را به همراه دارد و هیچ فردی از قضاوت افکار عمومی و آثار تصمیمات خویش مصون نخواهد ماند.

فرهاد خراسانی